

جستاری در سیره حکومت‌داری امام علی(ع)

در راستای تحقق عدالت اقتصادی

علیرضا کاوند^۱؛ زهرا حاج کاظمی^۲

چکیده

تحقق عدالت اقتصادی، از جمله مسائلی است که در بسیاری از آیات و روایات هریک از معصومان (ع) مورد توجه و تأکید است. امام علی (ع) پس از پذیرش حکومت از همان ابتدا یکی از اهداف حکومت‌داری خود را تحقق عدالت در تمام ابعاد آن و از جمله عدالت اقتصادی بیان نمودند و هرچند که در این زمینه با مخالفت‌های متعددی روبرو شدند، ولی با این وجود، در دوران حکومت‌رانی خود توانستند این اصل مهم را تحقق بخشند. از این‌رو در نوشتار حاضر تلاش شده تا پنج اصل مهمی که امام (ع) در تحقق وعده‌های اقتصادی خود برای مردم لحاظ کردند با رویکردی توصیفی - تحلیلی مورد بررسی قرار گیرد. این مبانی منبعث از قرآن کریم و جاری در سیره علوی عبارتند از: رفع فقر و محرومیت‌زدایی، امنیت و آزادی اقتصادی و رفع استثمار اقتصادی، مساوات و رفع تبعیض اقتصادی، امانت‌داری و توجه به رفاه عمومی.

کلیدواژگان: سیره امام علی(ع)، حکومت‌داری، عدالت اقتصادی

1. استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم؛ kavand@quran.ac.ir

2. کارشناس ارشد، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (نویسنده مسئول)؛ kazemizahra139@yahoo.com

مقدمه

یکی از مسائل مطرح در جوامع بشری، موضوع «عدالت اقتصادی» است. عدالت یکی از خواسته‌های درونی انسان به‌شمار می‌آید که سابقه آن به کهن‌ترین جوامع بشری بازمی‌گردد. این فضیلت برجسته در دین مبین اسلام و نیز دیگر ادیان آسمانی همواره مورد توجه و تأکید بوده است و هریک به طریقی عدالت را به عنوان یکی از اهداف خود معرفی کرده‌اند. امامان معصوم (ع) نیز به این مهم توجه داشته و راهکارهای عملی برای تحقق قسط و عدل در جامعه ارائه داده‌اند. در این میان، امام علی (ع) در دوران کوتاه حکمرانی خود به عنوان مصداق بارز حکومت دینی، در محقق‌سازی هرچه بیشتر عدالت در تمام ابعاد و زوایا گام‌های مهمی برداشتند و با وجود مخالفت‌های بسیار و سختی فراوان همواره در جهت تحقق عدالت در همه ابعاد آن به ویژه عدالت اقتصادی کوشیدند و توانستند حقوق از دست رفته مردم فقیری که توسط افراد ثروتمند چپاول می‌شد را به آنان بازگردانند و از آنان حمایت کنند. از این‌رو در این نوشتار برآنیم تا مهمترین اقداماتی را که امام (ع) در راه تحقق وعده‌های اقتصادی در دوران حکومت خود انجام دادند، مورد بررسی قرار دهیم و اصول بنیادین پیاده‌سازی عدالت علوی را برشمریم.

مفهوم‌شناسی

1- عدالت

«عدل» مصدر است و «عَدَل» و «عَدِل» هر چند که با هم تفاوت‌هایی دارند، اما در معنا به هم نزدیکند. یکی از این تفاوتها این است که «عَدِل» در چیزهایی به کار می‌رود که با بصیرت و آگاهی درک می‌شوند ولی «عَدَل» و «عَدیل» در چیزهایی که با حواس درک می‌شوند مانند اعداد به کار می‌رود. همچنین این واژه به معنای کثرت، راستی و حد وسط نیز آمده است (راغب اصفهانی، 1412ق: 198؛ ابن‌منظور، 1414ق: 234 / 9؛ فراهیدی، 1414ق: 611 / 2). در معنای اصطلاحی این واژه باید گفت مفهوم «عدالت»

در مقابل مفهوم دو واژه «فسق» و «جور» قرار می‌گیرد. گرچه فسق نیز خود نوعی جور و همان جور به نفس تعبیر می‌شود. عدالت در مقابل مفهوم فسق را «عدالت وصفی» و عدالت در مقابل مفهوم جور را «عدالت عملی» گویند. در واقع عدالت وصفی، صفتی است انسانی که واجد آن مسائل فردی و اجتماعی به طریق ظلم گام برنمی‌دارد. در حالی که عدالت عملی، جنبه‌های حیات اجتماعی را دربرمی‌گیرد و بارها مورد تأکید آیات قرآن کریم و دیگر آموزه‌های شرعی قرار گرفته است و در واقع همان است که برپایی و اقامه آن، رسالت خطیر پیشوایان دینی بوده است (عمید زنجانی، 1384: 20).

2- اقتصاد

«اقتصاد» به گفته راغب در دو معنا کاربرد دارد: اقتصاد پسندیده که میانه‌روی در چیزی باشد و نیز اقتصاد پسندیده و ناپسند که می‌تواند به عدل و جور مراد باشد (راغب اصفهانی، 1412ق: 4 / 198). دیگر ادبای عرب، در ذیل واژه «اقتصاد» می‌نویسند: زمانی که گفته می‌شود «قَصَدَ يَقْصِدُ قَصْدًا»، در اینجا به معنای میانه‌روی اشاره دارد. البته این دسته، واژه «قَصْدُ» را به معنی «قاصد» یعنی راست و مستقیم می‌دانند (ابن منظور، 1414ق: 3 / 353؛ فراهیدی، 1414ق: 5 / 54؛ طریحی، 1375: 1 / 20). اقتصاد در اصطلاح به معنای مجموعه قضایایی است که نحوه جریان پدیده‌های اقتصادی، کیفیت ربط آنها با یکدیگر و آثار و کارکردهای آنها را مورد بررسی قرار می‌دهد (هادوی‌نیا، 1383: 46؛ محقق، 1384: 30). از نظر آدام اسمیت اقتصاد، شاخه‌ای از دانش یک دولتمرد یا قانونگذار، با اهداف دوگانه فراهم کردن درآمد سرشار و معاش خوب برای مردم و تأمین کردن درآمد برای دولت برای هزینه کردن در خدمات عمومی است (Smit, 1776: 130). جان استیوارت میل نیز علم اقتصاد را علمی می‌داند که قوانین پدیده‌های به وسیله تعقیب هدف متعین نشود. بیان می‌کند (Mill, 1844: 56).

3- سیره

«سیره» معادل واژه لاتین «style» در زبانهای اروپایی از «stilus» یونانی گرفته شده و به معنای سبک، شیوه نگارش، شکل و نوع می‌باشد (Hornby, 1998: 110). غالب ادیبان عرب، واژه «سیره» را بر وزن «فِعْلَةٌ» و به معنای روش، طریقه، سنت می‌دانند (ر.ک: راغب اصفهانی، 1412ق: 433؛ زبیدی، 1307: 3/ 278؛ طریحی، 1375: 3/ 340). در اصطلاح سیره به معنای سبک رفتار، کیفیت سلوک میان مردم، الگو و روش کرداری اشخاص در زندگی است (طباطبایی، 1389: 6/ 13).

4- حکومت‌داری

حکومت‌داری یکی از مباحث مهم در حقوق اساسی^۳ و از جمله مسائل عمده در حقوق بین‌الملل عمومی^۴ و نیز عنصر تأثیرگذار در تحقق و شناسایی دولتهاست.

5- عدالت اقتصادی

«عدالت اقتصادی» در واقع ارزشی است که با فراگیر شدن آن، توزیع امکانات و ثروت در جامعه به‌گونه‌ای به سامان می‌رسد که حقوق شهروندان در حوزه‌های مالی و سرمایه‌ای، به تساوی رعایت می‌شود (میرمعزی، 1380: 106).

تحقق عدالت اقتصادی در سیره امام علی (ع)

با مطالعه و بررسی در احادیث و روایات صادره از پیامبر (ص) و معصومان (ع)، اصول و مبانی در بحث «عدالت اجتماعی» قابل استخراج و استنباط می‌باشد. برخی

3. رشته‌ای از علم حقوق است که در آن سازمان عمومی دولت، رژیم سیاسی آن، ساختار حکومت سازمان، وظایف، اختیارات قوای سه‌گانه، حقوق و آزادی فردی و اجتماعی، انتخابات و احزاب سیاسی، تبلیغات و نظایر آن بحث و گفتگو می‌شود (طباطبایی مؤتمنی، 1380: 30).

4. حاکم بر روابط افراد در جامعه جهانی است و در مقابل آن قواعد و اصول حاکم بر روابط بین کشورها و سازمانهای بین‌الملل بر عهده حقوق بین‌الملل عمومی نهاده شده است. بنابراین موضوع حقوق بین‌الملل عمومی، روابط کشورها و ارگانهای بین‌الملل به منظور مشخص ساختن حقوق و تکالیف آنها در جامعه بین‌الملل است. (مدنی، 1369: 1/ 32).

روایات دربردارندهٔ وظیفهٔ دولت دینی در مقابل مردم است؛ چنانکه امام علی (ع) در این باره می‌فرماید: «ما جاء فقیر إلا بما متّع به غنی؛ هیچ فقیری فقیر نشده مگر به واسطهٔ کامیابی توانگران» (نهج البلاغه، حکمت 31). امام صادق (ع) نیز در این باره می‌فرماید: «إِنَّ النَّاسَ يَسْتَعْنُونَ إِذَا عُدِلَ بَيْنَهُمْ؛ همانا با اجرای عدالت میان مردم، آنان از فقر و محرومیت نجات یافته، بی‌نیاز می‌شوند» (کلینی، بی‌تا: 568). از این رو در سیاست داخلی، یکی از اموری که در جهت تحقق عدالت اجتماعی لازم است، «عدالت اقتصادی» است؛ چنانکه قرآن کریم در آیه 25 سوره حدید، هدف پیامبران را اقامهٔ قسط و عدالت در جامعه بیان کرده و می‌فرماید: «ليقوم الناس بالقسط؛ تا مردم به عدل و داد برخیزند». این آیه شریفه، به صراحت بیان می‌کند که غالب پیامبران آمدند تا قسط و عدالت را اقامه کنند و مردم را از شر طاغوتیان و ظالمان نجات دهند. از این رو می‌توان گفت منظور از «عدالت اقتصادی» در سیرهٔ امام علی (ع) این است که امکانات و تمام ثروتهای جامعه به‌گونه‌ای باشد که تمام افراد جامعه از غنی گرفته تا فقیر هر کدام به‌طور مساوی و به یک اندازه از آنها بهره ببرند. همچنین این امام بزرگوار، رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همگان را در تمام زمینه‌های مادی و معنوی از وظایف اصلی دولت خود می‌دانست و بارها در مناسبت‌های مختلف، فرمانداران خود را به رعایت این مهم تشویق می‌کرد. مبانی تحقق عدالت اقتصادی را در حکمرانی علی (ع) می‌توان اینگونه برشمرد:

1- رفع فقر و محرومیت‌زدایی در جامعه

یکی از اقداماتی که امام علی (ع) در تحقق وعده‌های خود در زمینهٔ عدالت اقتصادی انجام دادند، کاهش فقر و محرومیت‌زدایی در جامعه بود. در صورتی که افراد جامعه نتوانند نیازهای خود را تأمین کنند، این وظیفهٔ هر یک از دولتمردان و افراد ثروتمند است که تا آنجا که می‌توانند به رفع فقر و محرومیت در جامعه بپردازند. آیات فراوانی

متعددی بر این مطلب اشاره دارد: «يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ؛ (پرهیزکاران) آنها هستند که به غیب (آنچه از حس پوشیده و پنهان است) ایمان می‌آورند و نماز را بر پا می‌دارند و از تمام نعمتها و مواهبی که به آنها روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند» (البقره/3). «أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِنْ رَبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ؛ آنان را خداوند هدایت کرده و آنها رستگاراند» (البقره/5). این دو آیه به صراحت مسلمانان را به انفاق کردن برای رفع فقر دعوت می‌کند (مکارم شیرازی، 1377: 71 / 1 و 70). همچنین در آیه 39 سوره سبأ آمده است: «قُلْ إِنْ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ يَقْدِرُ لَهُ وَ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَ هُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ؛ بگو: پروردگرم روزی را برای هر کس بخواهد وسعت می‌بخشد و برای هر کس بخواهد تنگ (و محدود) می‌سازد و هر چیزی را (در راه او) انفاق کنید، عوض آن را می‌دهد (و جای آن را پر می‌کند) و او بهترین روزی‌دهندگان است». علامه طباطبایی در ذیل این آیه می‌فرماید: خداوند سبحان جای آن را پر می‌کند و به عوض آن در دنیا یا آخرت به شما روزی می‌دهد (طباطبایی، 1389: 16 / 385).

امام علی (ع) نیز به عنوان یک حاکم مقتدر در دوران حکومت خود همواره در صد رفع مشکلات مردم و همدردی با محرومان زمان بود و بارها در سخنان خود بر این نکته تأکید می‌کرد که خداوند سبحان روزی فقرا را در اموال سرمایه‌داران قرار داده است، پس فقیری گرسنه نمی‌ماند جز به کامیابی توانگران و خداوند از آنان درباره گرسنگی گرسنگان خواهد پرسید (ابن ابی الحدید، 1990م: حکمت 328). ایشان گاهی برای برطرف کردن فقر، خود به مناطق مختلف سر می‌زدند تا اطمینان حاصل کنند که مردم آن منطقه از فقر و نداری رنج نمی‌برند. در این خصوص می‌توان به نحوه بازرسی امام (ع) در منطقه کوفه اشاره کرد. ایشان پس از بازرسی از این منطقه متوجه شد هیچ فردی در کوفه نیست مگر آنکه در نعمت باشد و افراد فقیر نیز مانند دیگران از نان گندم و آب گوارا بهره برده و

صاحب خانه و مسکن هستند (عاملی، 1360: 6/ 12). این رفتار امام (ع) در بردارنده این مطلب است که هر چند حاکم اسلامی کارگزاری را انتخاب می‌کند و جهت مشکلات مردم به مناطق مختلف می‌فرستد، ولی گاهی لازم است که خود شخصاً به مناطق مختلف رفته و از نزدیک شاهد مشکلات مردم باشد و با دیدن آن منطقه به صداقت کارگزاران خود نیز پی ببرد و در صورت کم کاری در انجام وظایفشان با برکناری آنان، افراد شایسته‌ای را برای رفع مشکلات مردم جایگزین نماید. ایشان نه تنها خود به انجام این کار اهتمام داشت، بلکه به عنوان یک حاکم عدالت‌محور، این توصیه را به کارگزاران خود نیز می‌نمود و خطاب به آنان می‌فرمود: یک زمامدار عادل نمی‌تواند به حقوق شهروندان و اجرای کامل عدالت بپردازد، مگر اینکه خود را با پایینترین طبقات جامعه یکسان بداند و زندگی را با محرومان همگون سازد. خداوند متعال بر پیشوایان عادل واجب کرده است که سطح زندگی خود را با ضعیف‌ترین افراد جامعه یکسان کنند تا فقر و تنگدستی بر تهیدستان و بینوایان فشار نیاورد و آنان را نگران نسازد (ابن ابی الحدید، 1990م: خطبه 209، 30). این امام بزرگوار در توصیه‌ای اخلاقی خطاب به مالک اشتر، فرمانروای مصر، برقراری عدالت در میان فقرا را مایه چشم روشنی حاکم اسلامی معرفی کرده و می‌فرماید: «همانا برترین روشنی چشم زمامداران برقراری عدل در شهرها و بلاد است» (همان، نامه 53، ص 574). امام صادق (ع) نیز در توصیه‌ای اخلاقی خطاب به لقمان می‌فرماید: «قالَ لقمانُ: ... وَ ذُقْتُ الْمَرَاتِ كُلَّهَا فَمَا ذُقْتُ شَيْئًا أَمْرًا مِنَ الْفَقْرِ؛ لقمان گفت: ... مره تمام تلخیها را چشیدم لیکن چیزی تلختر از فقر به ذائقه‌ام نرسید» (مجلسی، 1388: 13/ 421). ایشان در کلامی دیگر در این باره می‌فرماید: «خداوند در اموال ثروتمندان و وضع فقیران نگریست، آنگاه در اموال آنان حقوقی برای مستمندان قرار داد تا آن حد که زندگی ایشان نیز به رفاه باشد و به این منظور آنقدر از اموال اغنیا به فقرا می‌دهد که بخورند و بیاشامند و بپوشند و با آن زندگی زناشویی تشکیل داده و به دیگران صدقه بدهند و به حج بروند» (همان،

30 / 23). این سخن امام (ع) گویای این مطلب است که یک دولت دینی زمانی محقق می‌شود که حاکمان آن ثروتهای بدست آمده را در جامعه به گونه‌ای تنظیم کنند که افراد فقیر نیز مانند دیگر ثروتمندان بتوانند در زمان مناسب تشکیل خانواده داده، به سفر حج بروند و بتوانند نیازهای مایحتاج خانواده خود را تأمین نمایند و نیز داربردارنده این مطلب است که نحوه به دست آوردن مال و ثروت اگر با معیارهای درست انجام گیرد، امری مطلوب است (محمودی، 1387: 30).

از مجموع می‌توان گفت که حاکم اسلامی برای تحقق یک دولت دینی در بین مردم زمان خود باید به قشر ضعیف و مستضعف که قادر به تأمین مایحتاج زندگانی خود نیستند توجه داشته و یاری رساند؛ زیرا در صورتی که در صدد رفع این معضل اجتماعی و محرومیت‌زدایی فقرا بر نیاید، این عامل سبب می‌گردد فقرا دچار انزوای فرهنگی و نابسامانی شوند و جامعه از حالت اعتدال اجتماعی خارج شود. از این‌روست که می‌بینیم امامان معصوم (ع) نیز همواره به همنشینی با فقرا و برآورده ساختن نیازهای آنها توصیه می‌کنند.

2- رفع استثمار اقتصادی

از دیگر وعده‌های امام علی (ع) در تحقق عدالت اقتصادی، رفع استثمار اقتصادی است. این اصل که لازمه قطعی بقای حیات یک جامعه است باید از جمله اهداف مشخص و قطعی در سیاستگذاری نظام حاکم اسلامی باشد؛ به این معنا که دولتمردان جامعه و حاکمان تلاش نمایند تا در میان ملت، گروهی از افراد، گروهی دیگر را برای بهره‌کشی ناعادلانه به خدمت نگیرند. منظور از بهره‌کشی آن است که افرادی، افراد دیگر را برای برخی کارها و خدمات، به خدمت گیرند ولی در قبال تلاش و کار مفید آنان، حقوق و مزایای در خور ایشان به آنها نپردازند، بلکه با توسل به زور و ایجاد ترس و وحشت تلاش کنند تا از این طریق کمترین مزد را به آنان بپردازند (معینی‌نیا، 1385: 30). قرآن کریم در آیات متعددی به این مهم اشاره کرده و خطاب به دولتمردان بیان می‌دارد که در مراحل

نخست فعالیت خود، باید ابتدا به اجرای عدالت در جامعه بپردازند؛ چنانکه می‌فرماید: «وَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا؛ حق پیمان‌ه و وزن را ادا کنید! و از اموال مردم چیزی نکاهید! و بر روی زمین، بعد از آنکه (در پرتو ایمان و دعوت انبیاء) اصلاح شده است، فساد نکنید!» (الأعراف/85)؛ «وَأَوْفُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ؛ و حق مردم را کم نگذارید و در زمین تلاش برای فساد نکنید» (الاشعراء/183)؛ «وَايَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ؛ و ای قوم من! پیمان‌ه و وزن را با عدالت وفا کنید و بر اشیاء (و اجناس) مردم عیب مگذارید و از حق آنان نگاهید و در زمین فساد مکنید» (هود/85). این آیات دربردارنده این مطلب است که قرآن کریم با هرگونه کم‌گذاشتن و کم‌اهمیت دادن به نیروی کار مخالف است. دین مبین اسلام یکی از اهداف اساسی خود را گسترش و بسط عدالت اجتماعی و اقتصادی می‌داند. از این‌رو در سایه استثمرزدایی، آحاد ملت، در هر دسته و رسته و گروهی، حق خود را تشخیص داده و تلاش می‌نمایند تا از آن فراتر نروند و به حریم دیگران تجاوز نکنند؛ بدین‌معنا که از یک‌سو، کارفرمایان، زیردستان و کارمندان و کارگران خویش را در بستر کاری به استثمار نمی‌کشند و حقوق آنان را به گونه‌ای شایان و متعارف قوانین و مقررات اداری و بر مبنای پایه‌های حقوقی دولت حاکم می‌پردازند و سعی در سوءاستفاده ناعادلانه از زیردستان نخواهند کرد. در مقابل، زیردستان هم از حقوق و مزایایی که دریافت می‌کنند، رضایت داشته و متقابلاً سعی بیشتری در بکارگیری توان و استعدادهایشان خواهند کرد (علیخانی، 1385: 116).

اهمیت این اصل تا بدانجاست که امام علی (ع) نیز در سیره حکومت‌داری خود بر این اصل مهم توجه و تأکید داشتند. ایشان در سفارش اخلاقی خطاب به اشعث بن قیس فرمود: «لیس لك أن تفتت في رعية؛ این حق برای تو نیست که در میان مردم به استبداد

و خودرأیی عمل نمایی» (نهج البلاغه، نامه 5). همچنین ایشان در کلامی دیگر در این خصوص می‌فرماید: «لاتجری لأحد إلا جری علیه و لایجری علیه إلا جری له؛ کسی را حقی نیست جز که بر او نیز حقی است و بر او حقی نیست جز آنکه او را حقی بر دیگری است» (ابن ابی الحدید، 1990م: خطبه 216). این سخن امام (ع) حاکی از آن است که استثمارزدایی از محورها و ارکان اساسی یک جامعه اسلامی می‌باشد و همانطور که کارفرما یا حاکم جامعه اسلامی بر آن است که مردم در خدمتش باشند و به وظایف خویش به نحو احسن عمل نمایند، بر او نیز واجب است تا زیردستان و رعایا و کارمندان خود را استثمار ننماید و حقوق آنان را محترم شمارد. به تعبیر دیگر، هر جا حقی ظهور می‌یابد، تکلیفی نیز پیدا می‌شود و حق و تکلیف، لازم و ملزوم یکدیگرند و هیچ‌گونه حق یک‌طرفه برای کسی وجود ندارد. همچنین خدای سبحان از سر بخشندگی و افزون‌دهی، در ازای ادای حق خود که اطاعت اوست، برای مردم دو چندان یا بیشتر، پاداش قرار داده و این امر را دو سویی کرده است (دلشاد تهرانی، 1379: 128 و 127). ابوبصیر از امام صادق (ع) در این خصوص روایت کرده است که یکی از ویژگی‌های انسان آزاد، به معنای واقعی و حقیقی خود، این است که اگر در شرایط سخت قرار گرفت، روحیه خود را در مقابل این سختی‌ها نبازد و تحمل این سختی و به زیر بار استثمار و اسارت رفتن باعث نشود تا روحیه آزادی و آزادمداری خویش را از دست بدهد و همچنان در زیر اسارت و استثمار بالادست خود باقی بماند، بلکه بر اوست تا از زیر لوای آن خارج گردد و به خود ترس راه ندهد؛ مانند حضرت یوسف راستگو و امین که زیر بار استثمار و اسارت زلیخا نرفت و دینش را بر دنیایش ترجیح داد (کلینی، بی‌تا، 30/2). در مجموع، از آیات و روایات معصومان (ع) این نکته به دست می‌آید که دولتمردان باید تلاش نمایند تا با مظاهر استثمار و بهره‌کشی از انسان‌ها، چه در حوزه اقتصادی و چه در دیگر حوزه‌ها، به مبارزه بپردازند و همواره سعی

کنند حقوق و مزایای مردم را بدون هیچ آزار و سختگیری به آنان بپردازند و آنها را به تکلیف مالایطاق گرفتار ننمایند.

3- رفع هر گونه تبعیض

از دیگر اقدامات امام علی (ع) در تحقق عدالت اقتصادی، برقراری برابری و مساوات و رفع تبعیض اقتصادی و نژادی است. عدالت را باید برابری افراد در حقوق و وظایف اساسی و حذف امتیازها و نابرابری‌های بی‌وجه و نامعقول و خاصه‌خواریها و رانت‌گیریها دانست (قربان‌نیا، 1381: 82). دین مبین اسلام برابری و مساوات را به عنوان یکی از اهداف اصلی خود مطرح می‌کند و همواره سعی دارد تا همه مردم، از حقوق و مزایای یکسان، در مقابل یکدیگر برخوردار شوند. بر همین اساس است که امام علی (ع) پس از رسیدن به مقام خلافت و رهبری مردم به این موضوع توجه و تأکید داشتند و در تقسیم اموال بیت‌المال به نژاد قبیله‌ای، ثروتمند یا فقیر بودن افراد توجهی نداشتند. از نظر ایشان همه یکسان بودند و هیچ کسی را بر دیگری برتری نمی‌دادند؛ چنانکه در این خصوص می‌توان به نحوه برخورد ایشان با خواهرشان «امّ هانی» اشاره کرد.⁵ همچنین می‌توان به ماجرای دو زن از مهاجر و انصار اشاره کرد که خدمت امام (ع) رسیدند و اظهار فقر کردند. ایشان به هریک از آنان صد درهم از بیت‌المال پرداخت. یکی از زنان از این تصمیم امام (ع) ناراحت شد و شروع به اعتراض به ایشان نمود و در خطاب به امام (ع) گفت که من عرب هستم، در حالی که زن دیگر از موالی⁶ است، چرا باید با ما یکسان رفتار شود؟! امام (ع) در پاسخ فرمود: من قرآن خواندم و در آن خوب تأمل نمودم، در آنجا ندیدم که حتی

5. روزی امّ هانی خواهر امام (ع) برای دریافت سهمش از بیت‌المال، خدمت امام (ع) رسید. حضرت (ع) بیست درهم بابت سهمش به او دادند. مدتی بعد کنیز عجمی ام هانی نیز برای دریافت سهمش خدمت امام (ع) رسید، به او نیز بیست درهم دادند. زمانی که ام هانی از این موضوع خبردار شد، خشمگین شده و برای اعتراض خدمت امام (ع) رسید. امام (ع) در پاسخ اعتراض او فرمود: «در قرآن کریم، برتری عرب بر عجم را ندیده است» (محمودی، 1387: 30/1).

6. به ایرانیان و غیر عرب تازه مسلمان شده می‌گفتند.

به اندازهٔ بال پشه‌ای فرزندان اسماعیل بر فرزندان اسحاق برتری داشته باشند (محمدی ری شهری، 1379: 234). همچنین ایشان بارها در سخنان خود بر این نکته تأکید کرده‌اند که حضرت آدم نه غلام به دنیا آورد نه کنیز، بلکه بندگان خدا همه آزادند، اکنون مالی نزد من است بین سفید و سیاه فرقی نخواهم گذاشت و آن را به گونه‌ای مساوی تقسیم خواهم کرد (مجلسی، 1388: 456 / 3). از این رو این امام بزرگوار علاوه بر اینکه خود در تحقق این امر تلاش می‌کردند، همواره به فرمانداران خود نیز دستور می‌دادند که همهٔ مردم در نظرشان یکی باشند و فقیر و غنی سبب نشود که یکی را بر دیگری ترجیح دهند؛ چنانکه خطاب به مالک می‌فرماید: «ای مالک! تو و دیگر کارگزاران برای شهروندان بالتان را فرود آرید، در نگریستن به چشم و خیره نگاه کردن، اشاره نمودن و سلام کردن یکسان رفتار کنید تا بزرگان در ستم کردنت، طمع نورزند و زیردستان در دادگری و مساوات تو نومید نشوند» (ابن ابی الحدید، 1990م: نامه 30، 124). با توجه به این مطالب می‌توان گفت که این امام بزرگوار همچون یک حاکم عدالتگر در شیوهٔ حکومت-داری به کتاب خدا و سیره پیامبر اکرم (ص) توجه داشت و معتقد بود اگر حاکم اسلامی این‌گونه باشد و به وعده‌های خود به دور از تبعیض و بی‌عدالتی عمل کند، هم مورد توجه خداوند و مردم زمان خود قرار خواهد گرفت و هم جامعهٔ اسلامی به سمت ثبات و پایداری پیش خواهد رفت.

4- امانت‌داری و تساوی در اموال بیت‌المال

از دیگر وعده‌های امام علی (ع) در تحقق عدالت اقتصادی، توجه به اصل امانت‌داری و تساوی در اموال بیت‌المال مسلمین است. از آنجایی که منابع و ثروت‌های طبیعی متعلق به همهٔ مردم و نگهداری و استفاده از آنها به نفع و مصلحت عموم افراد جامعه است، برخورد صحیح دولت و ملت با منابع طبیعی و ثروت‌های ملی و از آنچه که مربوط به بیت‌المال جامعه اسلامی است، نشان‌دهندهٔ میزان تلاش برای حفظ منافع و به نوعی امانت‌داری از

آن می‌باشد (خلیلیان اشکذری، 1390: 200). این اصل مهم در سرمایه‌های ملی جوامع بشری، اصلی سازنده و حیاتی است که غفلت از آن موجبات شکست اقتصادی، تبعیض طبقاتی و انحصار ثروت در دست گروه یا عده‌ای خاص را فراهم می‌آورد. دین مبین اسلام بر رعایت این اصل تأکید فراوان دارد و تمام مسئولان را بر حفظ این اصل تشویق نموده و از بی‌توجهی به آن برحذر داشته است (دادگر، 1378: 30). از سویی، بخشی از جوهری که به بیت‌المال واریز می‌شود، خمس و زکاتی است که ثروتمندان می‌پردازند و بخش دیگر، انفال و درآمدهای حاصل از آن است. از این رو قرآن کریم در آیه 7 سوره حشر در این باره می‌فرماید: «آنچه را خداوند از اهل این آبادیها به رسولش بازگرداند، از آن خدا و رسول و خویشاوندان و یتیمان و مستمندان و در راه ماندگان است ...»⁷. این آیه شریفه به صراحت بیان می‌کند که نیازمندان جامعه در انفال حق دارند و امام و حاکم جامعه اسلامی موظف است نیاز آنان را از بیت‌المال برطرف سازد (طبری، 1422ق: 456/12). امام علی (ع) نیز بر این امر توجه بسیاری داشتند و با توجه به این آیه در خصوص توزیع بیت‌المال می‌فرماید: دیوانهای بخشش را از بین بردم و من نیز مانند رسول خدا بیت‌المال را به طور مساوی تقسیم کردم و بیت‌المال را به نحوی قرار ندادم تا در بین اغنیا دست به دست شود (کلینی، بی‌تا: 60/8). ایشان در کلامی دیگر خطاب به مالک می‌فرماید: «خدا را درباره‌ی طبقه پایین جامعه، کسانی که هیچ چاره‌ای ندارند، از مساکین و بینوایان و زمین‌گیران. در این طبقه مردمی هستند که پرسش می‌کنند و مردمی نیز هستند که در عین نیاز، روی پرسش ندارند. خداوند

7. «ما أفاء الله على رسوله من أهل القرى فليله وللرسول ولذی القری والیتامی والمساکین و این السبیل کی لا یكون دولة بین الأغنیاء منکم و ما آتاکم الرسول فخذوه و ما نهاکم عنه فاتتهوا و اتقوا الله إن الله شدید العقاب؛ آنچه را خداوند از اهل این آبادیها به رسولش بازگرداند، از آن خدا و رسول و خویشاوندان او و یتیمان و مستمندان و در راه ماندگان است تا (این اموال عظیم) دست به دست میان ثروتمندان شما نگردد، آنچه را رسول خدا برای شما آورده بگیرید و اجرا کنید و آنچه را از آن نهی کرده، خودداری نمایید و از مخالفت خدا بپرهیزید که خداوند شدید العقاب است» (حشر/7).

حقی برای ایشان مقرر کرده و از تو خواسته است که آن را رعایت کنی. پس در نگهداشتن آن بکوش. برای اینان در بیت‌المال خود سهمی مقرر دار و نیز بخشی از غلات اراضی خالصه اسلام را در هر شهری به آنان اختصاص ده؛ زیرا برای دورترین آنان، همان حقی است که نزدیکترینشان از آن برخوردارند و از تو خواسته‌اند که حق همه را از دور و نزدیک نیکو رعایت کنی. پس همت خود را از پرداختن به نیازهایشان دریغ مدار و کسانی از امینان خود را که خدای ترس و فروتن باشند برای نگرستن در کارهایشان برگمار تا نیازهایشان را به تو گزارش دهند» (ابن ابی الحدید، 1990م: خطبه 20، 331). ایشان در روایتی دیگر خطاب به اشعث بن قیس می‌فرماید: به درستی که کاری که بر عهده‌توست، لقمه‌ای نیست برای تو، بلکه امانتی است بر گردنت و تو در نظارت بالا دستانت قرار داری» (همان، نامه 5، 12). همچنین ایشان در کلامی دیگر در این باره می‌فرماید: «امانت را به آنکه شما را امین شمرد، بازگردانید؛ گرچه قاتلان فرزندان پیامبر اکرم (ص) باشند» (مجلسی، 1388: 115/75). این سخن امام علی (ع) بر این نکته تأکید می‌کند که اصل امانت‌داری بر همگان ضروری است و همه انسانها چه مؤمن و چه غیرمؤمن باید در صدق حفظ و نگهداری آن تلاش کنند. همچنین امام (ع) در حفظ اموال بیت‌المال هیچگاه به مسائل خویشاوندی توجهی نداشتند و همه در نظرشان یکسان بودند؛ چنانکه در این خصوص می‌توان به برخورد امام (ع) در برابر درخواست برادرش «عقیل» برای گرفتن مقدار بیشتری از بیت‌المال اشاره کرد. امام (ع) در این خصوص می‌فرماید: «برادرم عقیل را دیدم که به شدت تهیدست شده بود و درخواست داشت تا مقداری از گندمهای بیت‌المال را اضافه بر سهمش به او بدهم و از طرفی کودکانش را دیدم که از گرسنگی رنگ از چهره‌شان پریده بود. در مقابل تقاضای عقیل، آهنی را سرخ کردم و به جسمش نزدیک نمودم تا او را آزمایش کنم و نزدیک بود از حرارت آن بسوزد. به او گفتم ای عقیل! از حرارت آهنی می‌نالی که من آن را گرم کرده‌ام، اما تو مرا به آتش دوزخی فرامی‌خوانی

که خداوند با خشم خود آن را گداخته است؟! در ادامه می‌فرماید: به خدا قسم اگر هفت اقلیم را با آنچه در زیر آسمانهاست به من بدهند تا خدا را نافرمانی و عصیان کنم که پوست جوی را از مورچه‌ای به ناحق بگیرم، چنین نخواهم کرد و همانا این دنیای آلوده شما را نزد من از برگ جویده شده دهان ملخ پست‌تر است» (ابن ابی الحدید، 1990م: خطبه 224، 303). از این رو می‌توان گفت حاکم اسلامی با در اختیار داشتن اموال عمومی باید در جهت برطرف کردن نیازهای افراد آسیب‌دیده، برنامه‌ریزی صحیح و اقدام مناسب نماید و نگاهبان جان و مال همگان باشد. ضمن آنکه خداوند حقوقی مانند زکات، خمس، صدقه، فطریه و امثال آن را برای تعدیل ثروت و ایجاد توازن در جامعه وضع نموده است تا از اختلاف طبقاتی و عدم توازن در جامعه جلوگیری کند. امام (ع) به عنوان مصداق مجسم و کامل حاکم اسلامی در تحقق این وعده از هیچ تلاشی کوتاهی نکردند و همواره در حفظ بیت‌المال اقدامات بسیاری انجام دادند.

5- توجه به رفاه عمومی مردم

از دیگر وعده‌های امام علی (ع) در تحقق عدالت اقتصادی، توجه به رفاه عمومی مردم است. رفاه عمومی به سطح رضایت و خشنودی تمام مصرف‌کنندگان بستگی دارد. از این رو، سه عامل می‌تواند در رفاه اقتصادی مردم نقش داشته باشد که عبارت است از: تخصیص و توزیع مبتنی بر سیستم بازار، رقابت کامل و جلب نفع شخصی (انصاری، 1378: 123). قرآن کریم نیز در بسیاری از آیات خود به این مسئله اشاره کرده است؛ چنانکه در آیات 172 سوره بقره و 32 سوره اعراف آمده است. این آیات به صراحت به بهره‌مندی انسانها از نعمتهای خداوند سبحان توصیه می‌کند (طباطبایی، 1389: 123/2؛ 439/14). به علاوه، در آیات 7 و 8 سوره نحل نیز انسانها را به استفاده کردن از وسایل حمل و نقل دعوت می‌کند. دین مبین اسلام همواره از انسانها خواسته که خود را بیارایند و نعمتهای خدا را با آراستن زندگی، نمایان سازند و از فقیرنمایی و ژنده‌پوشی دوری کنند. همچنین به صراحت از انسانها می‌خواهد

که از افراط و تفریط دوری کنند و در مقابل، به میانه‌روی در زندگی متمایل شوند (کلینی، بی‌تا: 411 / 1). از این‌رو امام علی (ع) نیز همواره در دوران حکومت خود به دنبال رفاه عمومی همگان اعم از فقیر و غنی بودند. ایشان در گزارشی از وضعیت رفاهی مردم که ظاهراً در اواخر عمر شریفشان ارائه داده‌اند، می‌فرمایند: «در کوفه هیچ کس شب را به صبح نمی‌آورد مگر آنکه در نعمت و برخوردار از مواهب زندگی است. پایین‌ترین آنان از نظر منزلت، نان گندم می‌خورد، در سرپناه به سر می‌برد و از آب فرات می‌نوشد» (مجلسی، 1388: 3 / 4). در مجموع می‌توان گفت کسی که عهده‌دار حکومت مردم است باید از وضعیت مردم زمان خود، به ویژه افرادی که از پایین‌ترین سطح زندگی برخوردارند، آگاهی لازم داشته باشد و با تدبیر در صدد رفع مشکلات آنان برآید، چنانکه رفاه عمومی برای همگان برقرار شود.

نتیجه‌گیری

از آنچه بیان شد می‌توان نتیجه گرفت:

1- برای ایجاد و گسترش عدالت اقتصادی، از سوی زمامداران و کارگزاران جامعه اسلامی و یا دیگر جوامع بشری، چند مؤلفه اساسی باید مورد توجه قرار گیرد و نادیده گرفتن این مولفه‌ها موجبات عدم گسترش عدالت اقتصادی و ایجاد تبعیض و محرومیت و در نهایت فروپاشی را به همراه خواهد داشت.

2- یکی از عوامل برقراری عدالت اقتصادی، رعایت اصل عدالت و مساوات است که امام علی (ع) همواره در دوران امامت خود علی‌رغم مشکلات مختلفی که با آن مواجه بودند، همواره خود به این اصل پایبند بوده و عمل می‌کردند و از کارگزاران خود نیز می‌خواستند که با رعایت اصل مساوات و برابری در میان افراد جامعه، حقوق اقتصادی مردم را رعایت کنند و حقی از کسی در این زمینه، ضایع نشود و همگان از حقوق یکسانی برخوردار باشند.

3- یکی از عوامل برقراری عدالت اقتصادی، مبارزه با فقر و محرومیت است. از دیدگاه امام علی (ع) می‌توان بدون اهمیت دادن به جایگاه اجتماعی و امتیازات برخی از افراد، از این طریق با برقراری عدالت و انصاف و ایجاد زندگی مسالمت‌آمیز با فقر و نداری به مبارزه برخاست.

4- یکی از عوامل برقراری عدالت اقتصادی، رفاه عمومی است. از دیدگاه امام علی (ع) کسی که عهده‌دار رهبری می‌شود، باید از وضعیت مردم زمان خود، به‌ویژه افرادی که از پایین‌ترین سطح زندگی برخوردارند، آگاهی لازم داشته باشد، حتی اگر ممکن است خود در بین مردم حضور یابد و در صدد رفع مشکلات آنان برآید؛ چراکه حضور او می‌تواند موجبات دلگرمی آنان و اصلاح شرایط را فراهم سازد.

5- یکی از عوامل برقراری عدالت اقتصادی، رفع هرگونه تبعیض و برتری جویی است؛ چنانکه حضرت (ع) با هرگونه تبعیض بر اساس نژاد، رنگ، شکل و... مخالف بودند و همواره کارگزاران خود را به رعایت اصل عدالت و رفع تبعیض نژادی دعوت می‌کردند. باشد که این اصول، چراغ راهی برای عصر حاضر و رفتارها و اقدامات مسئولان باشد و اسباب اعتلای روزافزون جامعه اسلامی ما را فراهم سازد.

فهرست منابع

فارسی و عربی

1. قرآن کریم
2. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم: امام عصر (عج).
3. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل إبراهیم، بیروت: دار إحياء التراث العربیة، 1990م.
4. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار صادر، 1414ق.

5. انصاری، محمد جعفر و دیگران، درآمدی بر مبانی اقتصاد خرد با نگرش اسلامی، قم: پژوهشکده حوزه و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، 1378.
6. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم (تفسیر قرآن کریم)، تنظیم حسن واعظی محمدی، ویرایش علی اسلامی، قم: اسراء، 1384.
7. خلیلیان اشکذری، محمد جمال، شاخص‌های توسعه اقتصادی از دیدگاه اسلام، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)، 1390.
8. دادگر، یدالله، نگرشی به اقتصاد اسلامی، تهران: تربیت مدرس، 1378.
9. دلشاد تهرانی، مصطفی، حکومت حکمت، تهران: دریا، 1379.
10. دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه دهخدا، زیر نظر محمد معین و جعفر شهیدی، تهران: دانشگاه تهران، 1372.
11. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، تحقیق صنوان عدنان داودی، بیروت: دارُ العلم الدار الشامیة، 1412ق.
12. زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، قاهره: المطبعة الخیریة، 1307.
13. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیرالقرآن، تهران: دارالکتب الإسلامیه، 1389.
14. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، حقوق اساسی، تهران: میزان، 1380.
15. طبرسی، شیخ ابوعلی فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیرالقرآن، تصحیح شیخ ابوالحسن الشعرانی، تهران: کتابفروشی اسلامیة، 1382.
16. طبری، ابوجعفر محمدبن جریر، جامع البیان عن تأویل آی القرآن، تحقیق عبدالله بن عبدالمحسن ترکی، قاهره: مرکز البحوث و الدراسات العربیة و الإسلامیة، بدار هجر، 1422ق.

17. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، تحقیق سید أحمد الحسینی، تهران: المكتبة المرثویة لإحياء الآثار الجغریة، 1375.
18. عاملی، ابراهیم، تفسیر عاملی، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران: صدوق، 1360.
19. علیخانی، علی‌اکبر، توسعه سیاسی از دیدگاه امام علی (ع)، تهران: چاپ و نشر بین‌الملل، 1385.
20. عمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی: اقتصاد سیاسی، قم: چاپ و نشر بین‌الملل، 1384.
21. فراهیدی، خلیل بن أحمد، ترتیب کتاب العین، تحقیق مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی، تصحیح أسعد الطیب، قم: انتشارات أسوه، 1414ق.
22. قربان‌نیا، ناصر، عدالت حقوقی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، 1381.
23. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح و تعلیق علی اکبر غفاری، تهران: دار الکتب الإسلامیة، بی‌تا.
24. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الأئمة الاطهار، تهران: انتشارات اسلامیة، 1388.
25. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمة، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم: دارالحدیث، 1379.
26. محقق، محمدجواد، نظام اقتصادی از منظر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: معرفت، 1384.
27. محمودی، محمدباقر، نهج السعادة فی مستدرک نهج البلاغه، بیروت: مؤسسه التضامن الفکری، 1387.
28. مدنی، سید جلال‌الدین، حقوق اساسی در جمهوری اسلامی ایران، تهران: سروش، 1369.
29. مُعین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران: سرایش، 1387.

30. معینی‌نیا، مریم، سیره اداری امام علی(ع)، تهران: نشر بین الملل، 1385.
31. مفید، ابوعبدالله محمد بن نعمان، الجمل، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، بی‌تا.
32. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الإسلامیة، 1377.
33. میر معزی، سید حسین، نظام اقتصادی اسلام، قم: پژوهشگاه انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، 1380.
34. هادوی‌نیا، مهدی، مکتب و نظام اقتصادی در اسلام، قم: مؤسسه فرهنگی خرد، 1383.

منابع انگلیسی

۱. Hornby, A.S., oxford advanced learner's dictionary, London: oxford university press, ۱۹۸۹.
۲. Smith, Adam, an Inquiry into the nature and causes of the wealth of nation (۱ED), London: W. Strahan, ۱۷۷۶.
۳. Mill, John Stuart, on the definition of political economy, and on the method of investigation proper to it, essay V, in essay on some unsettled questions of political economy (V^{۳۹}), ۱۸۴۴.